

## بسمه تعالی

آیا در منابع اهل تسنن، مطالبی دال بر شهادت حضرت زهرا(س) وجود دارد؟

## پاسخ اجمالی

این حقیقت تاریخی، به طور زنده در کتابهای تاریخی و حدیثی محفوظ مانده است. بزرگان اهل سنت مانند ابن ابی شیبه، بلاذری، ابن قتیبه و .. بر این مطلب اذعان دارند. برای آگاهی از مدارک هتک حرمت منزل حضرت زهرا(س)، و مدارک موجود درباره شهادت حضرت زهرا(س)، به پاسخ تفصیلی مراجعه کنید.

## پاسخ تفصیلی

هتک حرمت خانه فاطمه زهرا(س) و شهادت آن حضرت:

در این مورد، نصوصی را از کتب اهل سنت نقل می نمایم، تا روشن شود که مسأله هتک حرمت خانه زهرا(علیها السلام) و رویدادهای بعدی، یک امر تاریخی مسلم است نه یک افسانه!! و با اینکه در عصر خلفا سانسور فوق العاده ای نسبت به نگارش فضایل و مناقب در کار بود؛ ولی به حکم اینکه، "حقیقت شیء نگهبان آن است"، این حقیقت تاریخی به طور زنده در کتابهای تاریخی و حدیثی محفوظ مانده است و ما در نقل مدارک، ترتیب زمانی را از قرنهای نخستین در نظر می گیریم، تا برسد به نویسندگان عصر حاضر.

### ۱. ابن ابی شیبه و کتاب «المصنّف»

ابوبکر ابن ابی شیبه (۱۵۹-۲۳۵) مؤلف کتاب المصنّف به سندی صحیح چنین نقل می کند:

هنگامی که مردم با ابی بکر بیعت کردند، علی و زبیر در خانه فاطمه به گفتگو و مشاوره می پرداختند، و این مطلب به عمر بن خطاب رسید. او به خانه فاطمه آمد، و گفت: ای دختر رسول خدا، محبوبترین فرد برای ما پدر تو است و بعد از پدر تو خود تو، ولی سوگند به خدا این محبت مانع از آن نیست که اگر این افراد در خانه تو جمع شوند من دستور دهم خانه را بر آنها بسوزانند. این جمله را گفت و بیرون رفت، وقتی علی(علیه السلام) و زبیر به خانه بازگشتند، دختر گرامی پیامبر (ص)

به علی(علیه السلام) و زبیر گفت: عمر نزد من آمد و سوگند یاد کرد که اگر اجتماع شما تکرار شود، خانه را بر شماها بسوزاند، به خدا سوگند! آنچه را که قسم خورده است انجام می دهد  
۲. بلاذری و کتاب «انساب الاشراف»:

احمد بن یحیی جابر بغدادی بلاذری (متوفای ۲۷۰) نویسنده معروف و صاحب تاریخ بزرگ، این رویداد تاریخی را در کتاب «انساب الاشراف» به نحو یاد شده در زیر نقل می کند.

ابوبکر به دنبال علی(علیه السلام) فرستاد تا بیعت کند، ولی علی(علیه السلام) از بیعت امتناع ورزید. سپس عمر همراه با فتیله (آتشزا) حرکت کرد، و با فاطمه در مقابل باب خانه روبرو شد، فاطمه گفت: ای فرزند خطاب، می بینم در صدد سوزاندن خانه من هستی؟! عمر گفت: بلی، این کار کمک به چیزی است که پدرت برای آن مبعوث شده است!!

### ۳. ابن قتیبه و کتاب «الإمامة و السياسة»:

مورخ شهیر عبدالله بن مسلم بن قتیبه دینوری (276-212) از پیشوایان ادب و از نویسندگان پرکار حوزه تاریخ اسلامی است، مؤلف کتاب «تأویل مختلف الحدیث»، و «ادب الکاتب» و... وی در کتاب «الإمامة و السياسة» چنین می نویسد:

ابوبکر از کسانی که از بیعت با او سربرداشتند و در خانه علی گرد آمده بودند، سراغ گرفت و عمر را به دنبال آنان فرستاد، او به در خانه علی(علیه السلام) آمد و همگان را صدا زد که بیرون بیایند و آنان از خروج از خانه امتناع ورزیدند در این موقع عمر هیزم طلبید و گفت: به خدایی که جان عمر در دست اوست بیرون بیایید یا خانه را بر سرتان آتش می زنم. مردی به عمر گفت: ای اباحفص (کنیه عمر) در این خانه، فاطمه، دختر پیامبر است، گفت: باشد!!

ابن قتیبه دنباله این داستان را سوزناکتر و دردناکتر نوشته است، او می گوید: عمر همراه گروهی به در خانه فاطمه آمدند، در خانه را زدند، هنگامی که فاطمه صدای آنان را شنید، با صدای بلند گفت: ای رسول خدا پس از تو چه مصیبت هایی به ما از فرزند خطاب و ابی قحافه رسید، وقتی مردم که همراه عمر بودند

بودند صدای زهرا و گریه او را شنیدند برگشتند، ولی عمر با گروهی باقی ماند و علی را از خانه بیرون آوردند، نزد ابی بکر بردند و به او گفتند، بیعت کن، علی(علیه السلام) گفت: اگر بیعت نکنم چه می شود؟ گفتند: به خدایی که جز او خدایی نیست، گردن تو را می زنیم ...

مسئلاً این بخش از تاریخ برای علاقمندان به شیخین بسیار سنگین و ناگوار می باشد و لذا برخی بر آن صدد آمدند که در نسبت کتاب به ابن قتیبه تردید کنند، در حالی که ابن ابی الحدید استاد فن تاریخ، این کتاب را از آثار او می داند و پیوسته از آن مطالبی نقل می کند، متأسفانه این کتاب به سرنوشت تحریف دچار شده و بخشی از مطالب آن به هنگام چاپ از آن حذف شده است در حالی که همان مطالب در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید آمده است.

«زرکلی» در اعلام این کتاب را از آثار ابن قتیبه می داند سپس می افزاید: که برخی از علما در این نسبت نظری دارند. یعنی شک و تردید را به دیگران نسبت می دهد نه به خویش، همچنان که الیاس سرکیس این کتاب را از آثار ابن قتیبه می داند.

### ۴. طبری و تاریخ او:

محمد بن جریر طبری (متوفای ۳۱۰) در تاریخ خود رویداد قصد هتک حرمت خانه وحی را چنین بیان می کند:

عمر بن خطاب به خانه علی آمد در حالی که گروهی از مهاجران در آنجا گرد آمده بودند. وی رو به آنان کرد و گفت: به خدا سوگند خانه را به آتش می کشم مگر اینکه برای بیعت بیرون بیایید. زبیر از خانه بیرون آمد در حالی که شمشیر کشیده بود، ناگهان پای او لغزید و شمشیر از دستش افتاد، در این موقع دیگران بر او هجوم آوردند و شمشیر را از دست او گرفتند.

این بخش از تاریخ حاکی از آن است که اخذ بیعت برای خلیفه با تهدید و ارباب صورت می پذیرفت حالا این نوع بیعت چه چه ارزشی دارد؟ خواننده باید خود داوری نماید.

### ۵. ابن عبد ربه و کتاب «العقد الفرید»:

شهاب الدین احمد معروف به «ابن عبد ربہ اندلسی» مؤلف کتاب «العقد الفرید» متوفای (۴۶۳ هـ) در کتاب خود بحثی مشروح درباره تاریخ سقیفه آورده و تحت عنوان کسانی که از بیعت ابی بکر تخلف جستند چنین می نویسد:

علی و عباس و زبیر در خانه فاطمه نشسته بودند که ابوبکر عمر بن خطاب را فرستاد تا آنان را از خانه فاطمه بیرون کند و به او گفت: اگر بیرون نیامدند، با آنان نبرد کن! و در این موقع عمر بن خطاب با مقداری آتش به سوی خانه فاطمه رهسپار شد تا خانه را بسوزاند، در این موقع با فاطمه روبرو شد. دختر پیامبر گفت: ای فرزند خطاب آمده ای خانه ما را بسوزانی، او در پاسخ گفت: بلی مگر این که در آنچه امت وارد شدند، شما نیز وارد شوید! تا اینجا بخشی که در آن به تصمیم به هتک حرمت تصریح شده است پایان پذیرفت، اکنون به دنبال بخش دوم که حاکی از جامه عمل پوشاندن این نیت است، می پردازیم!

آیا یورش انجام گرفت؟ در این جا سخنان آن گروه که فقط به سوء نیت خلیفه و یاران او اشاره کردند به پایان رسید، گروهی که نخواستند و یا نتوانستند دنباله فاجعه را به طور روشن منعکس کنند، در حالی که برخی، به اصل فاجعه یعنی یورش به خانه و... اشاره نموده و تا حدی نقاب از چهره حقیقت برافکندند، اینک در اینجا به مدارک یورش و هتک حرمت اشاره می نماییم: (در این بخش نیز در نقل مصادر غالباً ترتیب زمانی را در نظر می گیریم)

۶. ابو عبید و کتاب «الاموال»: ابو عبید قاسم بن سلام (متوفای ۲۲۴) در کتاب خود به نام «الاموال» که مورد اعتماد فقیهان اسلام است نقل می کند: عبدالرحمن بن عوف می گوید: که من در بیماری ابوبکر برای عیادت او وارد خانه او شدم پس از گفتگوی زیاد به من گفت: آرزو می کنم ای کاش سه چیز را که انجام داده ام، انجام نمی دادم، همچنان که آرزو می کنم ای کاش سه چیز را که انجام نداده ام، انجام می دادم. همچنین آرزو می کنم سه چیز را از پیامبر سؤال می کردم. اما آن سه چیزی که انجام داده ام و آرزو

می کنم که ای کاش انجام نمی دادم عبارتند از:

ای کاش پرده حرمت خانه فاطمه را نمی گشودم و آن را به حال خود وامی گذاشتم هرچند برای جنگ بسته شده بود. ابو عبید هنگامی که به اینجا می رسد به جای جمله: «لم أكشف بیت فاطمة و ترکته...» می گوید: کذا و کذا. و اضافه می کند که من مایل به ذکر آن نیستم!.

۷. طبرانی و معجم کبیر: ابوالقاسم سلیمان بن احمد طبرانی (۲۶۰-۳۶۰) که ذهبی در «میزان الاعتدال» در حق او می گوید: فرد معتبری است. در کتاب «المعجم الکبیر» که کراراً چاپ شده است، آنجا که درباره ابوبکر و خطبه ها و وفات او سخن می گوید، یادآور می شود: ابوبکر به هنگام مرگ، اموری را تمنا کرد. ای کاش سه چیز را انجام نمی دادم. ای کاش سه چیز را انجام می دادم. ای کاش سه چیز را از رسول خدا سؤال می کردم. درباره آن سه چیزی که انجام داده و آرزو کرد که ای کاش انجام نمی داد، چنین می گوید: آن سه چیزی که آرزو می کنم که ای کاش انجام نمی دادم، آرزو می کنم که هتک حرمت خانه فاطمه نمی کردم و آن را به حال خود واگذار می کردم!.. این تعبیرات به خوبی نشان می دهد که تهدیدهای عمر تحقق یافت.

نتیجه:

آیا با این همه مدارک روشن که عموماً از منابع اهل سنت نقل شده است باز هم می گویند «افسانه شهادت...!» انصاف کجاست؟! به یقین هر کس این بحث کوتاه و مستند به مدارک روشن را بخواند می فهمد بعد از رحلت رسول خدا(صلی الله علیه وآله) چه غوغائی برپا شد، و برای نیل به حکومت و خلافت چه ها کردند، و این اتمام حجت الهیه برای همه آزاداندیشان دور از تعصب است، چرا که ما از خودمان چیزی ننوشتیم، هرچه نوشتیم از منابع مورد قبول خود آنها است



## شهادت حضرت زهرا (س) در منابع اهل سنت

آیا در منابع اهل تسنن، مطالبی دال  
بر شهادت حضرت زهرا (س) وجود  
دارد؟

جهت دسترسی به منابع مطلب به واحد فرهنگی مراجعه فرمایید



واحد فرهنگی  
بیمارستان خاتم الانبیا (ص)